

راز مزار

گوشه‌هایی از مقاله تفصیلی استاد علی‌رضا کمری پژوهشگر ادبیات، تاریخ و فرهنگ دفاع مقدس

توجه به مزارها و تلاش برای حفظ و نگاهداشت آنها از وجوه چندی ضرورت دارد: نخست آنکه وجود مزارها بیانگر احترام و اهمیتی است که فرهنگ عمومی برای درگذشتگان قائل است و دیگر اینکه حرمت و قداست مزارها در امکان تجدید عهد و احساس سبکی روح و رجوع به خویشتن گمشده و تشریف‌خاطری است که از دیدن مزار برای زایر پیش می‌آید و نیز بدان لحاظ، که مزارها زمینه‌ی خلوت بیننده را با خود فراهم می‌کنند و ناپایداری جهان را به او یادآور می‌شوند. علاوه بر این مزارها محل تجمع و بروز احساسات طبقات و توده مردم و خیزش‌های اجتماعی بوده‌اند و از این منظر اعزاز و اکرام آنها، به مثابه تجلیل از فداکاری مبارزان و تبلیغ و توجیه فلسفه مبارزه آنها بوده است.

اما آنچه موضوع این مقاله است، توجه به نقش ارزشمند مزار شهدا و اهمیت مزارشناسی شهدا در مطالعات تاریخی است. از آن جهت که این مزارها مجلای طبیعی ترکیب احساس و برداشت جامعه و اندیشه و نگرش برخاسته از جبهه و جنگ هستند و بنابراین حفظ وضع موجود مزارات و پرهیز از دگرگونی در ماده و هیئت کلی آنها ضرورت جدی دارد. زیرا تغییر در فرم و فضای کنونی یا شکل اصلی و اولیه مزارات (حتی اگر به منظور مرمت یا یکسان‌سازی و رعایت ظواهر و زیبایی و رفاه حال زایران و تسهیل در آمد و شد آنها باشد)، از آنجا که خدشه وارد کردن به اصالت اسنادی و اسنادی این مجموعه‌ها و درهم ریختن تنوع باورها و نگرش خانواده‌ها و منسوبان شهدا در بنا و بود آنهاست، خطری جدی است که پیشگیری از آن و تبدیل یا نگاهداشت آنها به صورت مجموعه فرهنگی پویا مستلزم هوشمندی مسئولان و آگاهی به آسیب‌شناسی مادی و غیرمادی مزارات است.

تماشای مزارات، به خصوص حضور بر مقبره پاکان، امکان تجدید عهد و احساس سبکی روح و رجوع به خویشتن گم‌شده‌ی زایر و تشریف‌خاطر وی را پدید می‌آورد و همین خصوصیت، به ویژه واسطه قرار دادن آنها برای اجابت خواسته و برکت جستن از روح ربانی آنان است که به مزار حرمت و قداست می‌بخشد و امکان هم‌سخنی زایر و مزار را فراهم می‌سازد. در رؤیت و مرور گورستان‌های خاموش و منزل اسیران خاک، نیز زمینه‌ی خلوت بیننده با خود و تنبّه به ناپایداری جهان و عبرت جستن از سرانجام قیل و قال‌های گذرا و غالباً «بیهوده‌ی آن» به وجود می‌آید. گرچه این گونه نگاه و درنگ در صورت افراط گاه به ترک تلاش و عزلت‌گزینی و سردی از زندگی می‌انجامد، در عین حال نمی‌توان آثار و تبعات اخلاقی و مستقیم این آموزه و تذکر را از نظر دور داشت که ضرورت تربیت نفس سرکش به خاطر داشت ناپایداری عمر و برابر شدن آدمی با خاک است. افزون بر آنچه گفته آمد دیدار مزارات مشاهیر و گورستان‌ها می‌تواند سبب ساز ورود نفوس مستعد به دنیای تاریخ و دیرینه‌شناسی شود و از همین راه امکان شناخت «زندگی» و نه صرفاً «مرگ» گذشتگان را فراهم سازد.

• چگونگی تزیین و برگزاری مجلس ختم و یادبود شهدا - که ترکیبی است از عنصر مجالس شادی و سوگ - و مضمون و محتوای سخنرانی‌ها و سروده‌ها و نحوه تسلیت‌گویی

به خانواده شهدا و نظایر آن در حال حاضر به علت غفلت و اکنون زدگی، ممکن است از مقوله‌ی مسلمات پنداشته شود، اما بعید نیست به مرور زمان و دگرگونی‌های مستمر، نقل برخی از این بدیهیات مایه شگفتی و حتی انکار قرار گیرد. رفتار و برداشت جامعه و طبقات مختلف از رخدادها در زمان و شرایط خاص به صورت دفعی بروز می‌کند و پس از مدتی در پیشینه تاریخی و خاطره قومی جای می‌گیرد و چونان آثار بازمانده‌ی مادی و معنوی دیگر، کارایی و رواج خود را از دست می‌دهد و جز در شرایط و احوال مشابه نمود و بروز نمی‌یابد. هر چه نسبت رویدادها با فرهنگ و باور عمومی بیشتر باشد، ماندگاری و تاثیر آن افزون‌تر است. نکته دیگر اینکه، تحت تاثیر فرایند گذر جامعه از تحولات ژرف و پویا بخش‌هایی از فرهنگ و آداب و رسوم جاری نیز دستخوش دگرگونی می‌شود. در این صورت اندیشه و منش - و در پی آن رفتار و گفتار - جدید و حادث، اندک اندک جایگزین فرهنگ گذشته می‌شود یا در آن تغییرات آشکار پدید می‌آید. به همین دلیل پس از انقلاب و دوران دفاع مقدس در صورت و ساخت گورستان‌های عمومی و تا حدودی آداب مجالس ختم و فاتحه خوانی اموات، در نتیجه تاثیر مجالس سوگ و یاد شهدا دگرگونی‌های آشکار پدید آمد.

• مشترکات و متشابهات عینی عموم مقبره شهدا عبارتند از: سنگ قبر، جای تصویر شهید و پرچم. علاوه بر این در بسیاری از موارد لوح (سنگی یا فلزی)، گلدان، ویتترین و جای عکس، حفاظ و معجر در پیرامون قبر و سقف و سایبان هم دیده می‌شود. مهم‌ترین جزء هر مزار، سنگ قبر است که از جهت اندازه، رنگ، جنس و مرغوبیت و ارتفاع نصب از زمین، بسیار متنوع است. شاید این ویژگی‌ها بر حسب ظاهر فاقد اهمیت به نظر برسند، اما به واقع چنین نیست؛ زیرا چنانچه با دید پژوهشگرانه به این تنوع و تفاوت‌ها نگرسته شود، نکات قابل توجهی از مطالعه



بدانید تنها فرزندانمان علی شورکی فرزند حسن از سن ۱۴ ساگی به خاطر قرآن و ناموس شما، سینه خود را سپر گلوله های دشمنان اسلام کرد. عمر کوتاهش فقط ۱۷ سال و ۶ ماه و ۲۸ روز و ۱ ساعت بود.

[گلزار خلد برین - یزد]

- قبر شهید بی‌سر علی اکبر معظمی پدر شهید محمد صادق معظمی

[گلزار خلد برین - یزد]

قبر شهید محمد صادق معظمی فرزند شهید بی‌سر علی اکبر معظمی، که یکی در جبهه جنوب و دیگری در جبهه غرب به شهادت رسیده و جنازه های پاکشان در یک روز به شهید یزد وارد و دفن گردیده است.

[گلزار خلد برین - یزد]

- این دو بیت بر سنگ مزار تنی چند از شهیدانی که اخیرا پس از تفحص یافت شده و به خاک سپرده اند، در بهشت زهرای تهران دیده می‌شود:

پس از عمری غریبی بی‌نشانی

خدا می‌خواست در غربت نمائی

از آن سرو سرافراز تو هر چند

پلاکی بازگشت و استخوانی

• فراتر از نگاه جزئی و فردی به یکایک مزار شهدا، مطالعه تطبیقی آنها با یکدیگر و مجموعه مزار به روشنی نشان می‌دهد، که بین بستگان شهدایی که در یک قطعه به خاک سپرده شده اند، نوعی همکاری و ارتباط پایدار به وجود آمده است. رواج و رونق آداب نانوشته و غیره رسمی زیارت شهدا و حضور و بیتوته‌ی خانواده‌ها و زایران به مناسبت‌ها و مواقع مختلف، مثل تحویل سال، این اندیشه را به ذهن بیننده الهام می‌کند، که شهادت مرگ نیست و مزار شهید میعادگاه و مجلس انس بستگان، و شهید میزبان جمع است و سوگ و سور در تلفیقی لطیف چونان پیوند تراژدی و حماسه جلوه‌ای واحد یافته است. در مرقد شهدا از رنگ ماتم کمتر می‌توان چشم اندازی دید، هر چه هست سبزی و سرخی و سپیدی است و هروله باد، و اهتزاز بیرق‌ها یاد آور حیات و حرکت، و نگاه نافذ و آرام شهید که بیننده را به درک جهان‌گذران و راز مزار فرا می‌خواند و بر می‌انگیزد، راسر از هر فریاد.

منبع: فصلنامه نامه پژوهش، سال سوم، ش ۹.

این سنگ نبشته‌ها و مطالعه تطبیقی محتوا و مدلول آنها، و درنگ در ساختار زبانی، و موضوع مضمون و قالب اشعار و عبارات نقش بسته بر قبور، به صورت مستقل و مستوفای عرصه نوینی را در ادبیات مزار پدید آورده است. از این رو به این نکته باید توجه داشت که بیشترین تاثیر و الهام و ارتباط مستقیم عاطفی و عقلانی از درنگ و مرور در همین کتیبه‌های آرام و خاموش حاصل می‌شود. برای نمونه نقل چند سنگ نبشته مزار شهدا در اینجا ضروری است:

- شهید حسین داراب، شهادت: مهران

کربلای ۱- روز عاشورایی حسینی ۶۰/۶/۲۰
پدر شهید:

اغول سنون غمینده قدیم اگلدی

اوزون قولی بالام قولار ریوانه گلدی

باش سیز قول بالام سنه نه گلدی

اسلامه ایدن جانین فدا حسینیم حسینیم

جواب شهید: آتا جان

عشق حسینی دشمن باشا گرگ باشندان کچه

باشندان کچن عاشق گرگ قولار داند کچه

باش قول ویریل مسه، اسلام ایدر غروب

اولار گجه باش سیز بالان قول سیز بالان

دینه فدا حسیندوم

قطعه ی ۵۳-۸۰-ردیف ۱۸-شماره ی ۱۸

[بهشت زهرا- تهران]

معنای ابیات این است: پدر شهید: پسر، از غم فراق تو قدم خم شد، پسر آن بازوان بلند چه شدند؟ ای فرزند بی‌سر و دست من تو را چه پیش آمده است؟ جانت را فدای اسلام کردی، حسین من، حسین من.

پدر جان، کسی که عاشق حسین باشد، باید از سر بگذرد و عاشقی که از سر می‌گذرد باید از دستش نیز بگذرد. اگر سر و دست در راه اسلام قطع نشود و فدا نگردد، خورشید اسلام غروب می‌کند و شب کفر چیره می‌شود. من فرزند بی‌سر و دست تو، فدای این خدایم، من حسین توام.

- ای ملت ایران، مخصوصا سران مملکت

آنها به دست می‌آید. گویاترین و اساسی‌ترین شناسه هر مزار نقش و نبشت سنگ قبر است، که حسب محتوا و دلالت، دو موضوع عمده در آنها شایان توجه است. نخست اینکه بخشی از اطلاعات عرضه شده (از قبیل نام و سال ولادت، و مکان و زمان شهادت، و بعضا جمله‌ای از وصیت‌نامه یا گفته‌ها و نوشته‌های شهید) وجه استنادی و مسلم تاریخی دارد. دیگر اینکه عبارت غیر شناسه‌ای حک شده بر سنگ - به خصوص اشعار و کلمات قصار و آیات و احادیث و جملات احساسی - و نیز نقش و نگار و رنگ آمیزی به کار رفته روی آنها، معرف احساس و دلبستگی خانواده و بستگان صاحب مزار است. حتی در جایی که از زبان مدفون، عبارت و سخنی بر سنگ نقش بسته است، دلالت و استناد آن حقیقی نیست، مجازی است. اصلا برخی از سنگ قبرها و طرز آرایش مزار شهدا واگویی و زبان حال خانواده‌های آنهاست. به این ویژگی از دید مثبت باید نگرست، به این دلیل که بنای مزار مبین ذوق و احساس و اندیشه و تلقی مردم به شمار می‌آیند.

مداقه در این کتیبه‌ها، از جهت شناخت وجوه اشتراک و حتی افتراق نگرش صاحب مزار با خانواده و بستگان وی نیز بسیار مهم است. یکی دیگر از فواید مطالعه‌ی قبور و تأمل در نوشته‌ی الواح و مزارات وی، امکان دست‌یابی صریح و بی‌واسطه بر سیر رخدادهای پیرامونی و مرتبط با انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. شکل‌گیری مستمر مقابر و مزارات خانواده‌ی شهدا در کنار گلزارها، و به خصوص تکاپوی گروه‌های تفحص برای یافتن نشانی از شهدای مفقود الاثر و پیدا شدن پیکر شماری از آنها، علاوه بر گسترش گلزارها به لحاظ تاثیر و انعکاس احوال ایام نیز، موجب تنوع و دگرگونی در مفاهیم و موضوعات سنگ نبشته‌های مزارات شده است. به دلیل بازگفته، مهم‌ترین وجه استنادی و ارتباطی مقابر برای اهل تحقیق یا زایران سنگ نبشته قبور و الواح مکتوب مزارهاست. تأمل در جزئیات

